

# دکتر شهیدی و تاریخ نگاری امام علی بن الحسین علیه السلام

طاهره عظیم‌زاده طهرانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۳۰

## چکیده

آثار دکتر شهیدی (۱۲۹۷-۱۳۸۶ش) نشان می‌دهد نسبت به پژوهش درباره امامان علیهم السلام علاقه بسیاری داشته است. از این میان، به امام علی بن الحسین توجه ویژه‌ای نشان داده، به طوری که هم در جوانی و هم در سالمندی به آن حضرت پرداخته است. روش وی در پژوهش تاریخ اسلام و زندگانی ائمه علیهم السلام انتقادی تحلیلی است و اسناد و متن سند، هر دو مورد توجه او بوده است. در مقاله حاضر، نقدها و تحلیل‌های دکتر شهیدی بر برخی نظرات در باره امام چهارم بررسی شده است. به این منظور ابتدا آثار ایشان درباره امام سجاد، سپس منابع مورد استفاده و آن‌گاه نقادی‌ها و تحلیل‌های ایشان را مطرح می‌کند؛ در ادامه، روش تحقیق دکتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد دکتر شهیدی در قسمت اول زندگانی امام علی بن الحسین علیه السلام (تا قیام عاشورا) با دقت و فرصت بیشتری نسبت به بعد از آن، به نقد و تحلیل پرداخته است و زندگانی و سیره امام پس از عاشورا به روش دکتر شهیدی هنوز به بررسی نیاز دارد.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی بن الحسین، شهربانو، سال تولد امام چهارم، شعر فرزدق، نقد اسناد.

## مقدمه

دکتر شهیدی از همان سال‌های جوانی دغدغه پرداختن به تاریخ اسلام به ویژه تشیع و زندگانی معصومین علیهم السلام را داشت و درباره امام زین العابدین علیه السلام هم آثاری آفرید. به نظر، نخستین نوشته او جزوه «بحثی درباره شهربانو» مادر امام باشد که در سال ۱۳۳۳ش تنظیم شده است. وی در آنجا عنوان کرده بود که داستان

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

شهربانو را باور نمی‌کند؛ چون سندهایی که در این داستان آمده درست نیست.<sup>۱</sup> سپس کتاب چراغ روشن در دنیای تاریک یا زندگانی امام سجاد را نوشت و «بحثی درباره شهربانو» را هم به آن افزود.

خانم ماری بویس در همان زمان توسط استاد مجتبی مینوی از کتاب چراغ روشن در دنیای تاریک آگاهی یافت و از قسمت «بحثی درباره شهربانو» در مقاله «بانوی پارس» بهره جست.<sup>۲</sup> سی سال پس از نوشتن کتاب چراغ روشن به درخواست دفتر نشر فرهنگ اسلامی، کتاب زندگانی علی بن الحسین را در سال ۱۳۶۴ در ۶۷ سالگی نوشت. البته انگیزه خود دکتر نیز در تالیف آن مؤثر بوده است.<sup>۳</sup>

دکتر شهیدی در کتاب‌های دیگرش چون تاریخ تحلیلی اسلام<sup>۴</sup> و پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین علیه السلام<sup>۵</sup> هم اشاراتی به زندگانی امام علی بن الحسین علیه السلام دارد. پیش از دکتر شهیدی کتاب‌هایی در زمینه زندگانی امام زین العابدین علیه السلام نوشته شده بود؛ از جمله عبدالرزاق المقرم کتاب الامام زین العابدین

---

۱. شهیدی، جعفر، زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، ص ۱۰؛ همو، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳.

۲. بویس، ماری، «بی بی شهربانو و بانوی پارس»، شماره ۹ و ۱۰، ص ۱۳۰. دکتر شهیدی در پاورقی کتاب علی بن الحسین علیه السلام (ص ۱۰) نوشته است: جزوه بحثی درباره شهربانو مورد استفاده خانم ماری بویس قرار گرفت و مقاله‌ای در نشریه مدرسه السنه شرقی لندن در سال ۱۹۶۷، شماره ۳۰، ص ۳۰-۴۴ به چاپ رساند و بعد آقای دکتر حسن جوادی در مجله بررسی‌های تاریخی آن را ترجمه کرد.

۳. این کتاب با مشخصات زیر به عربی چاپ شد: شهیدی، جعفر، حیاة الامام علی بن الحسین، ترجمه احمد الحلبونی، دارالهادی، بیروت، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م.

۴. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳. ادامه این کتاب به نام تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، توسط مرکز نشر دانشگاهی و انتشارات علمی و فرهنگی به سال ۱۳۸۳ در تهران چاپ شده و در صفحات ۲۵۵، ۲۲۹، ۲۰۷، ۲۰۴، ۲۰۲ به امام سجاد اشاراتی دارد.

۵. شهیدی، جعفر، پس از پنجاه سال، پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین علیه السلام، ص ۸۸، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۹۰.

(علی بن الحسین) را نوشت که در کتاب *زندگانی علی بن الحسین* از آن یاد کرده است، ولی تفاوت دیدگاهی و تحلیلی بین مطالب دو نویسنده وجود دارد و به آن انتقادهایی وارد کرده است.<sup>۱</sup>

دکتر شهیدی در مقدمه کتاب *چراغ روشن در دنیای تاریک*<sup>۲</sup> علت نوشتن کتاب را «ظلمی که در حق معرفی امام سجاد شده» عنوان می‌کند. وی این ظلم را ناشی از تبلیغات نادرست «کاسب‌های بی‌مایه و دکان‌داران بی‌سرمایه‌ای» می‌داند که برای جلب رضایت مشتریان تا توانسته‌اند از عظمت روحی علی بن الحسین علیه السلام کاسته و بر مقدار ناتوانی و زبونی او افزوده‌اند.

سی سال بعد هم در مقدمه کتاب *زندگانی علی بن الحسین* انگیزه خود را از تألیف کتاب چنین ذکر کرده که گفتن کلمه بیمار پشت نام امام چهارم در کودکی قیافه‌ای غم زده و پژمرده را برای او مجسم می‌کرد که از شدت درد می‌نالید و انواع داروهای گیاهی را سر می‌کشد. بزرگ‌تر که شد، نوحه خوان‌ها و گویندگان همچنان همان صفت بیمار به اضافه غل و زنجیر و اسارت را در وصف امام به کار می‌بردند؛ از این رو در صدد برآمد که با پژوهش درباره امام علیه السلام سیمای واقعی آن حضرت را مطرح کرده، این تصورات نادرست را بزدايد.

بسیاری از مطالب کتاب *چراغ روشن در دنیای تاریک* با کتاب *زندگانی علی بن الحسین* مشترک است.<sup>۳</sup> و بیشتر نوع انشا و بیان تغییر کرده، به هر حال سی سال تجربه و مطالعه در پختگی مطالب تأثیر داشته است. به همین دلیل تکیه اصلی مقاله حاضر به کتاب *زندگانی علی بن الحسین* است و در مواقع لزوم به

۱. همو، *زندگانی علی بن الحسین*، ص ۹، ۱۳ پاورقی ۱۲۸.

۲. همو، *چراغ روشن در دنیای تاریک*، بی‌تا، ص ج و د.

۳. مهمترین مطالب کتاب *چراغ روشن در دنیای تاریک* عبارت‌اند از: تاریخ تولد امام، شهربانو، بعقه بی بی شهربانو، کاروان در کوفه و شام، بازگشت به مدینه، قصیده فرزددق، وضع اجتماعی آن زمان، شعر و ادب، اخلاق امام سجاد، آثار علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، رساله حقوق، دست نوشته‌های قرآنی منسوب به امام.

کتاب چراغ روشن نیز توجه شده است.

دکتر شهیدی در صفحه ۵، ویژگی کتاب *زندگانی علی بن الحسین* را در چند جمله بیان کرده است:

۱. کوشش شده بر منطق و مدرک تکیه شود نه بر عاطفه و احساس؛

۲. مورد پذیرش تاریخ نویسان و جامعه شناسان اسلامی و غیر مسلمانان قرار

گیرد؛

۳. درک واقعیت آن برای مردم این روزگار آسان باشد؛

۴. نتیجه عملی بر آن مترتب شود؛

۵. منابعی را برگزیده که تاریخ درست و نزدیک به درست را آورده باشند.

مهم‌ترین مطالب کتاب شامل لقب‌های امام سجاد، مادر ایشان، تاریخ تولد امام، وضع ایالت‌های مسلمان نشین در دوران نوجوانی امام، امام در کربلا، کوفه و دمشق، شورش مدینه، واقعه حره، وضع عراق و حجاز، رفتار امام، فرزددق و قصیده او، اخلاق امام، گفتارهای کوتاه امام، رساله حقوق، صحیفه سجادیه، قرآن به خط امام، رحلت امام و فرزندانشان می‌باشد که بسیاری از این مطالب با نقد و تحلیل ایشان همراه است. قبل از پرداختن به انتقادات دکتر شهیدی در تاریخ زندگانی امام علی بن الحسین لازم است منابع مورد استفاده ایشان بررسی شود.

#### ۱. منابع مورد استفاده

دکتر شهیدی در ابتدای کتاب *زندگانی علی بن الحسین* (ص ۵) اشاره دارد که *صحیفه سجادیه* و دعای ابوحمزه و کتاب‌هایی چون *صفة الصفوة* ابن جوزی؛ *حلیة الاولیاء* ابونعیم اصفهانی؛ *کشف الغمه* اربلی؛ مناقب ابن شهر آشوب چهره نزدیک به واقع امام را به من نشان داد. وی برای نوشتن دو کتاب *چراغ روشن* و *زندگانی علی بن الحسین* از انواع منابع حدیثی، رجالی، تاریخی (انواع منابع تاریخی، چون تاریخ‌های عمومی، محلی و غیره) جغرافیایی، ادبی، دعایی و غیره، اعم از اهل سنت و شیعه بهره جسته است. منابع ایشان بیشتر متعلق به قرون

نخستین هجری و نزدیک‌تر به عصر امام زین‌العابدین است. وی تأکید دارد برای تاریخ اسلام به کتاب‌های دست اول تا آخر قرن پنجم هجری مراجعه کند.<sup>۱</sup> در فهرست مصادر کتاب زندگانی علی بن الحسین نام ۶۷ کتاب ذکر شده است که به یقین بیشتر از این تعداد می‌باشد. در این کتاب مستقیم به پژوهش‌های شرق‌شناسان نپرداخته و از نویسندگان معاصر خود به ندرت استفاده کرده است، ولی در کتاب چراغ روشن، مطالبی از خاورشناسان چون ادوارد براون<sup>۲</sup> و سِر پرسی سایکس<sup>۳</sup> (ص ۱۸، ۴۱)؛ کریستن سن<sup>۴</sup> (ص ۲۲)؛ دارمستر<sup>۵</sup> (ص ۴۰) دارد. همین‌طور مطالبی از نویسندگان معاصر خود چون عبدالحسین نوایی (ص ۱۹، ۳۵)، سعید نفیسی (ص ۲۲، ۴۴، ۴۵)؛ دکتر معین (ص ۴۱)؛ احمد امین (ص ۱۵۷). به طور کلی دکتر شهیدی ضمن آگاهی از نوشته‌های شرق‌شناسان و با عنایت به اینکه روش غربیان در تحلیل مسائل تاریخی دقیق‌تر از روش بعضی از مورخان گذشته مشرق زمین است،<sup>۶</sup> در نوشته‌های متاخر خود تأکیدی بر آثار شرق‌شناسان ندارد و معتقد است اگر مطلبی در کتاب‌های شرق‌شناسان دیده می‌شود که در هیچ یک از منابع قدیم چون آثار بلاذری، ابن اسحاق، ابن هشام، طبری و عالمانی چون مرحوم کلینی، شیخ مفید و شیخ طوسی نیامده، آن را نباید پذیرفت، با این توجیه که چه بسا مدرکی دارند که در اختیار ما نیست، یا دست‌کم باید در درستی آن تردید کرد؛ زیرا تاریخ صدر اسلام چون تحقیق درباره تمدن سبا و حمیر یا خواندن سنگ‌نشته‌های عصر هخامنشی یا پژوهش درباره تحقیقات علمی قرن نوزده و بیست میلادی نیست که بگوییم غربیان

---

۱. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۵۲.

2. Edward Granville Browne.
3. Sir Percy Molesworth Sykes.
4. Arthur Christensen.
5. James Darmesteter.

۶. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۴۷.

وسيله‌هایی در اختیار دارند که ما نداریم.<sup>۱</sup>

ایشان از کتاب‌هایی که در آن روزگار هنوز چاپ نشده بود، چون نسخه‌های عکسی تاریخ ابن اعثم<sup>۲</sup> و تجارب الامم<sup>۳</sup> و نسخه خطی ربیع الابرار<sup>۴</sup> استفاده کرده است. البته دو کتاب اخیر که مورد استفاده او قرار گرفته در فهرست منابع و مآخذ کتاب زندگانی علی بن الحسین ذکر نشده است.

کسانی نیز به دکتر شهیدی در معرفی منابع به ویژه قدیمی کمک کرده‌اند که نام آنها در هر دو کتاب مربوط به امام زین العابدین آمده است. ایشان در کتاب زندگانی علی بن الحسین از آقایان شبیری (ص ۱۲، ۱۴)؛ دبیر سیاقی (ص ۷۱)؛ محمد تقی شوشتری (ص ۱۴۵)؛ دکتر مهدوی دامغانی (ص ۳۶) و دکتر سادات ناصری (ص ۹۵) به این سبب تشکر کرده است. همچنین با علامه محمدتقی شوشتری (ص ۱۴۵) نامه نگاری داشته است. از پژوهش‌های معاصر در مورد امام سجاد تنها کتاب الامام زین العابدین عبدالرزاق المقرم مورد استفاده او قرار گرفته است. البته در کتاب چراغ روشن از آن استفاده نشده است. به آثار دیگر خود به ویژه کتاب‌های تاریخ تحلیلی اسلام، پس از پنجاه سال و زندگانی حضرت فاطمه هم ارجاع داده است.

## ۲. نقدهای دکتر شهیدی

دکتر شهیدی در کتاب زندگانی علی بن الحسین که بحث را درباره امام شروع کرده به نقد و بررسی نقل قول‌ها، رد و یا قبول آنها پرداخته، سپس مطالب را تحلیل می‌کند. نخستین مطلب، مادر امام علیه السلام است.

۱. همان‌جا.

۲. همو، زندگانی علی بن الحسین، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۲۰.

## ۲-۱. مادر امام، شهربانو؟

مرحوم شهیدی در صفحه ۹ که کتاب ریشه داستان شهربانو را ابتدا پندارها و افسانه‌ها و سپس تکرار آن توسط تذکره نویسان و مورخان بعد، بدون جستجو می‌داند. بحث و انتقادات او پیرامون شهربانو در ۱۸ صفحه (ص ۹-۲۷) در زمینه‌های مختلف نام ایشان، مزار بی بی شهربانو،<sup>۱</sup> پدر شهربانو، انتقال ایشان از ایران به حجاز، حضور شهربانو در کربلا می‌باشد. در مورد اخبار مربوط به اسارت شهربانو و انتقال ایشان به حجاز ابتدا دیرینه‌ترین سند را که کتاب *بصائر الدرجات* محمد بن حسن صفار قمی (۲۹۰) است<sup>۲</sup> و مرحوم کلینی (۳۲۹) نیز در *اصول کافی* آورده ذکر می‌کند. بعد به نقد آن می‌پردازد، راوی سند عمرو بن شمر را مورد نقد قرار می‌دهد که فردی بسیار ضعیف بود.<sup>۳</sup> سپس متن حدیث را از چند جهت نقد می‌کند:<sup>۴</sup>

**الف -** عبارت «چون به مسجد درآمد مسجد به نور او روشن شد» را نامفهوم می‌داند و با پرسش‌های انکاری مطلب را رد و تفسیر علامه مجلسی را از این جمله را که از دیدن او شادمان شدند، مخالف ظاهر کلمه ذکر می‌کند (ص ۱۳).

**ب -** عبارت دیگر حدیث از قول حضرت علی علیه السلام: «دختران پادشاهان را هر

---

۱. نام آرامگاهی است در نزدیکی شهر ری. برخی اعتقاد دارند مقبره شهربانو مادر امام چهارم است.

دکتر شهیدی در کتاب *چراغ روشن* بحث مفصلی درباره این مقبره دارد.

۲. در کتاب *چراغ روشن* (ص ۱۰) قدیم‌ترین مورخ را که مادر امام زین العابدین را دختر یزدگرد دانسته یعقوبی ذکر می‌کند و یادی از کتاب *بصائر الدرجات* ندارد.

۳. شهید مطهری علاوه بر عمرو بن شمر، شخص دیگری به نام ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی را که در سند روایت آمده ضعیف دانسته و نوشته است علمای رجال او را از نظر دینی متهم می‌دانند و روایات او را غیرقابل اعتماد می‌شمارند (*خدمات متقابل اسلام و ایران*، ج ۱، ص ۱۳۳).

۴. در اینجا تناقضی بین مطالب دیده می‌شود. از طرفی می‌نویسد راوی حدیث که مرحوم کلینی ذکر کرده (عمرو بن شمر) فرد ضعیفی است (شهیدی، جعفر، *زندگانی علی بن الحسین*، ص ۱۸). از طرف دیگر می‌گوید چون معیار پذیرفتن حدیث نزد آنان (مرحوم کلینی) اعتبار و وثاقت راوی بود به جهات دیگر نمی‌پرداختند (همان‌جا).

چند هم که کافر باشند نمی‌توان فروخت»، نیز مورد قبول او نیست و با سؤالاتی آن را رد می‌کند. دختران پادشاهان این امتیاز را از کجا آورده‌اند؟ آیا در زمان رسول خدا چنین حکمی تشریح شد؟ و... (ص ۱۴)

ج - جمله دیگری که مورد انتقاد او قرار می‌گیرد سخن دختر یزدگرد است که هرمز را نفرین کرد. سؤال دکتر این است که هرمز چرا باید نفرین شود؟ اگر به سبب شهرت او باشد که خسروانوشیروان از او مشهورتر است. (ص ۱۴).

د - ادامه روایت را که می‌گوید: علی بن الحسین، ابن‌الخیرتین است نیز نقد می‌کند؛ زیرا این روایت برگزیده خدا از قوم عرب را بنی‌هاشم و از عجم را فارس عنوان می‌کند و دکتر شهیدی بیان می‌دارد که این سخن با روش امام زین‌العابدین که کنیزی را به همسری گرفت و معتقد بود «خداوند هر پستی را با اسلام محو می‌سازد» و به این خاطر مورد سرزنش عبدالملک قرار گرفت، همخوانی ندارد. دکتر شهیدی عنوان می‌کند در صورت درستی حدیث ابن‌الخیرتین، مقام ابولهب از مرحوم کلینی و دیگر علمای بزرگ شیعه بالاتر می‌رود (ص ۱۵).

انتقادات دکتر نسبت به متن این حدیث از استحکام یکسانی برخوردار نیست، نامفهوم دانستن «مسجد به نور او روشن شد»، دلیل محکمی برای ردّ متن حدیث نیست. البته دلایل دیگر ایشان می‌تواند قانع‌کننده باشد. در ادامه دکتر شهیدی تحلیل می‌کند نفوذ شعوبیان در برخی از این روایت‌ها دیده می‌شود (ص ۱۶).

سال و چگونگی اسارت شهربانو انتقاد دیگری است که در کتاب زندگانی علی بن الحسین مطرح شده است. اسارت شهربانو را در زمان عمر از دو جهت رد می‌کند؛ یکی اینکه یزدگرد و خاندان او هیچ‌گاه در میدان نبرد نبوده‌اند، آنان از جلو سپاه مسلمانان عقب نشینی می‌کردند؛ پس دختر او چه وقت و کجا و چگونه اسیر شد؟ دوم اینکه اگر شهربانو در زمان خلافت عمر اسیر شده باشد؛ یعنی تا سال ۲۳ هجری (سال مرگ عمر) به اسارت مسلمانان در آمده است. از

این سال تا زمان تولد امام یعنی سال ۳۸ هجری، چهارده سال<sup>۱</sup> گذشته. آیا در این مدت شهربانو نازا مانده است؟ دکتر شهیدی این مطلب را بعید می‌داند. به نظر می‌رسد این دلیل محکمی نباشد؛ زیرا امام موسی بن جعفر نیز چهارده سال پس از ازدواج امام صادق با همسرشان حمیده متولد شدند.<sup>۲</sup> دلیل آن را می‌توان آماده شدن این زنان تازه مسلمان برای مادر شدن دانست.

دکتر شهیدی حدیث دیگری را که شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا* آورده نقد می‌کند. در این حدیث سهل بن قاسم به نقل از امام رضا علیه السلام آورده است که عثمان دو دختر یزدگرد را که عبدالله بن عمر اسیر کرده بود به ازدواج حسن و حسین درآورد و هر دو آنها به هنگام زایمان درگذشتند. مرحوم شهیدی حدس می‌زند داستان شهربانو بر پایه همین نقل و براساس رفتن پسر عمر به خراسان پدید آمده است (ص ۱۹). در اینجا خبری از تاریخ طبری نقل می‌کند که با *مطلب عیون الاخبار* متفاوت است و روایت مرحوم صدوق را نمی‌پذیرد و چنین تحلیل می‌کند که هم چشمی حسنین با حسینیان موجب پدید آمدن چنین روایتی شده است (ص ۲۰).

وی به حدیث دیگری اشاره می‌کند که زمان عمر سه دختر یزدگرد را به اسیری گرفتند، یکی را به حسین بن علی، دیگری را به محمد بن ابی بکر و بعدی را به عبدالله بن عمر دادند و از آنها علی بن الحسین و قاسم بن محمد و سالم بن عبدالله متولد شدند. دکتر شهیدی نتیجه می‌گیرد خیال‌پردازی که نمی‌خواست افتخار زناشویی با خاندان شهریار ایران تنها نصیب فرزندان امام

---

۱. اگر دیدگاه دیگر که خود شهیدی معتقد است یعنی سال ۴۷ هجری تولد امام باشد، ۲۴ سال از زمان اسارت گذشته است.

۲. در منابع گفته شده که حمیده را امام محمدباقر برای نوه شان جعفر بن محمد انتخاب کرد. رحلت امام باقر سال ۱۱۴ هجری و تاریخ تولد امام موسی بن جعفر ۱۲۸ هجری است؛ یعنی چهارده سال پس از ازدواج متولد شده اند (بنگرید به: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۷۶-۴۷۷).

علی علیه السلام شود، داستان را دستکاری کرده و بدین صورت در آورده است (ص ۲۰). روایت دیگری که در *ارشاد شیخ مفید* آمده، اسارت دو دختر یزدگرد را زمان خلافت امام علی علیه السلام توسط حریث بن جابر حنفی دانسته است. علی علیه السلام یکی را که شاه زنان نام داشت به حسین داد و زین العابدین متولد شد، دیگری را به محمد بن ابوبکر و قاسم از او متولد گردید. نقد دکتر شهیدی به این روایت این است که نام حریث بن جابر در شمار کارگزاران حضرت علی در خراسان دیده نمی‌شود (ص ۲۱)<sup>۱</sup>. او در جنگ صفین در رکاب آن حضرت بود، تحلیل دکتر شهیدی این است که گویا پردازندگان این حدیث چون با داستان اسیر شدن دختران یزدگرد به دست عبدالله بن عامر روبه‌رو شده‌اند، جای او را با حریث بن جابر عوض کرده‌اند؛ چه نمی‌خواسته‌اند شاهزاده ایرانی به دست امیری عرب و عامل امویان اسیر شود او را به اسارت عامل امیرالمؤمنین علی علیه السلام درآورده‌اند تا از کرامت دختر کاسته نگردد (ص ۲۲).

این تحلیل چندان قوی نیست زیرا حریث بن جابر نیز عرب بوده است، فقط کارگزار علی بودن ممکن است در موضوع نقش داشته باشد.

به روایت دیگری هم اشاره دارد که شاه آفرید همسر ولید بن عبدالملک و مادر یزید بن ولید را دختر فیروز پسر یزدگرد می‌داند. تحلیل دکتر شهیدی چنین است همین که روایات شهربانو و زناشویی او با حسین بن علی شهرت یافت، دوستان او شخصیت برجسته تیم و عدی نخواستند تنها بنی‌هاشم از افتخار ازدواج با خاندان شهریاران ایران برخوردار باشند؛ ناچار دختری از یزدگرد را به پسر ابوبکر و دختر دیگری از او را به پسر عمر بخشیدند. چون حکومت به

---

۱. شیخ مفید در کتاب *الارشاد* (ج ۲، ص ۱۳۷) اظهار داشته که امام، حریث بن جابر حنفی را والی یکی از بلاد شرق کرد و آقای ذاکری (*سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب*، ص ۴۲۸) متذکر شده این احتمال به ذهن می‌رسد که حریث بن جابر همراه با خلید بن قره به خراسان رفته است و بدین سبب عده‌ای از راویان تاریخ، وی را و عده‌ای دیگر خلید را به عنوان والی خراسان ذکر کرده‌اند.

امویان رسید هواداران این تیره بر خود هموار نکردند که فرزندان امیه از این موهبت بی‌نصیب بمانند و دختر دیگری برای یزدگرد ساخته، او را به خانه خلیفه زاده اموی فرستادند (ص ۲۳). این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که دکتر شهیدی روی نقش راویان تا چه اندازه دقت و توجه داشته است؛ نکته بسیار مهمی که هنوز جای آن در تاریخ‌نگاری ما خالی است.

برای رد کردن دختر یزدگرد بودن همسر امام حسین، دکتر شهیدی به نامه‌ای متعلق به منصور دوانیقی به محمد بن عبدالله اشاره دارد که منصور در نامه نوشته بود، مادر علی بن الحسین امّ ولد بود. در اینجا دکتر نوشته است نوشتن امّ ولد تحقیری است که منصور به محمد بن عبدالله روا می‌دارد (ص ۲۴) و ادامه می‌دهد اگر مادر علی بن الحسین دختر یزدگرد پادشاه ایران بود، منصور چنان عبارتی را نمی‌نوشت و اگر دروغ نوشته بود، محمد بدو پاسخ می‌داد که مادر علی بن الحسین شاهزاده بوده است نه کنیز (ص ۲۴).

به نظر در این مطلب دکتر شهیدی سهوی رخ داده است؛ زیرا مادر منصور سلامه، کنیز بود<sup>۱</sup> نه مادر محمد بن عبدالله. <sup>۲</sup> البته اصل سخن دکتر شهیدی درست است و اگر مادر امین العابدین دختر یزدگرد بود، منصور چنین سخنی را نمی‌نوشت؛ یعنی تا سال ۱۴۵ هجری که منصور این نامه را نوشته، در بین مردم شایع نبود که مادر امین العابدین ع دختر یزدگرد است. دکتر شهیدی پس از اینکه مطالب مختلف را مطرح کرده نتیجه‌گیری می‌کند که داستان شهربانو بر چنین روایاتی شبه‌ناک استوار است و تحلیل می‌کند دور

۱. مسعودی، علی بن الحسین، التنبیه والاشراف، ص ۲۹۵.

۲. ابوعبدالله محمد بن عبدالله ملقب به صریح قریش است؛ زیرا پدرش عبدالله فرزند حسن مثنی‌نوه امام حسن مجتبی ع است و مادرش هند دختر ابوعبیده بن عبدالله بن زعمه است و چون مادران مادر بزرگان محمد هیچ‌یک کنیز نبودند به لقب صریح قریش منسوب شد (اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۱۵۷). پدرش عبدالله نیز چون از طرف پدر و هم از سوی مادر به حضرت فاطمه می‌رسید به عبدالله محض معروف گردید.

نیست که در فتح بلاد خراسان و شرق ایران زنانی اسیر شده باشند و دور نیست که یکی از این کنیزان به عادت مألوف، خود را بزرگ زاده یا شاهزاده خوانده باشد و دور نیست که امام حسین بن علی علیه السلام یکی از این دختران را به همسری گرفته و امام علی بن الحسین از او متولد شده باشد، اما اگر چنین حادثه‌ای رخ داده باشد در خلافت عثمان بن عفان بوده است نه در خلافت عمر و آن زن بزرگ زاده‌ای ایرانی بوده است نه دختر یزدگرد پادشاه ایران؛ چه شمار دختران یزدگرد معلوم است و ظاهر عبارت مسعودی نشان می‌دهد که آنان سال‌ها در مرو به سر برده‌اند و فرزندان از آنان به جای مانده است (ص ۲۵).

سپس چند نکته درباره سرانجام مادر علی بن الحسین عنوان می‌کند، ولی در این مورد اظهار نظر و نتیجه‌گیری ندارد (ص ۲۶) فقط به آب انداختن و غرق کردن مادر علی بن الحسین پس از قتل امام حسین علیه السلام را بعید و نادرست می‌داند.

## ۲-۲. سال تولد امام

بحث بعدی دکتر شهیدی سال تولد امام است که صفحات ۲۹ تا ۳۷ یعنی هشت صفحه را در برمی‌گیرد و بر خلاف عموم مورخان و محدثان قدیم که سال تولد حضرت را در مدینه و سال ۳۷ یا ۳۸ دانسته‌اند سال تولد حضرت را ۴۷ یا ۴۸ هجری می‌داند. خود اظهار می‌دارد که از متقدمان و متاخران جز چند تن، همگی سال‌های اولی را قبول دارند.

دکتر شهیدی دودلیل برای ردّ تاریخ مشهور دارد:

الف - محل ولادت است که مدینه ذکر شده است و گفته شده با جدش علی علیه السلام دو سال در مدینه بود. دکتر شهیدی اشاره دارد به اینکه علی علیه السلام در سال‌های ۳۷ تا ۴۰ هجری در کوفه بود. امام حسین نیز همراه آن حضرت بود. حال چگونه می‌توان پذیرفت که امام در کوفه به سر برده و همسر او این مدت در مدینه بوده است (ص ۳۱). این دلیل چندان محکم نیست، چنان که امام رضا علیه السلام همسر و فرزند خود را در مدینه گذاشته و خود به خراسان آمدند.

ب - دلیل دیگر دکتر شهیدی این است که در برخی گفت‌وگوهای روز عاشورا که در منابع آمده، علی بن الحسین را خردسال و نابالغ دانسته‌اند. از این رو حدس می‌زند تولد امام سال ۴۷ یا ۴۸ هجری بوده که در روز عاشورا دوازده یا سیزده ساله بوده و با عبارت خردسال یا نابالغ بودن درست در می‌آید. تحلیل دکتر درباره علت شهرت تولد امام در سال ۳۶ یا ۳۷ آن است که سال ولادت علی بن الحسین اکبر را که در روز عاشورا شهید شد با سال تولد امام زین‌العابدین اشتباه گرفته‌اند. البته دکتر شهیدی درباره سال تولد امام نتیجه‌گیری قطعی ندارد (ص ۳۹).

نکته قابل توجه اینکه اگر امام سجاد در روز عاشورا که هم زمان با امامت ایشان نیز هست دوازده ساله بود، میان همان چند تن اندک شیعه باقی مانده درباره در کودکی به امامت رسیدن حضرت بحث می‌شد، در حالی که این بحث برای نخستین بار در زمان امامت حضرت جواد مطرح شد. معلوم می‌شود که تا این زمان هنوز شیعیان به مسئله کودک بودن امام برنخورده بودند.

### ۲-۳. امام در کوفه

پس از بحث درباره تاریخ تولد امام، به وقایع تاریخی پس از امام علی علیه السلام تا به قدرت رسیدن یزید می‌پردازد (ص ۳۹ تا ۴۷) و مطلبی از امام زین‌العابدین ندارد. سپس بحث سفر امام حسین علیه السلام به کربلا را آغاز می‌کند و اشاره دارد که در اسناد نامی از علی بن الحسین نیست (ص ۴۹-۵۰) و این را هم دلیلی برای کوچک بودن امام می‌شمارد؛ سپس وقایع عاشورا را مطرح می‌کند که علی بن الحسین بیمار بود.

آمدن امام به کوفه مطلب بعدی است. دکتر شهیدی در این قسمت، از منابع مختلف، سخنانی را که بین امام و ابن زیاد رد و بدل شده، می‌آورد و می‌نویسد: «این نوشته‌های مکرر را برای آن می‌آورم که خوانندگان بدانند گزارشگران، رویدادی را به چندگونه بازگفته‌اند. نیز بدانند در طول زمان چگونه سندها به

سود خاندان اموی دست کاری شده است (ص ۵۵)».

در این قسمت، نقد او دربارهٔ روایتی است که مطرح می‌کند علی بن الحسین را در کوفه مردی به خانه برد و با لحاف پوشاند. سپس او را نزد یزید بردند و یزید واقعه حره را پیشگویی کرد و خواست علی بن الحسین همراه آنان نباشد. دکتر شهیدی نقد می‌کند: چگونه اسیری که پایش در زنجیر و گردنش در غل است می‌تواند به خانهٔ کسی برود و آنجا بر لحاف بخوابد؟ چگونه به او اجازه داده شد که هر کجا می‌خواهد برود؟ و یا غیب‌گویی یزید دربارهٔ واقعه حره چگونه ممکن است، در حالی که یزید از نابخردی به کار سیاست کشور خود نا آشنا بود (ص ۵۵). همین‌طور پنهان شدن علی بن الحسین در خانهٔ مردی در شهر کوفه را نمی‌پذیرد (ص ۵۵). مطلبی هم از لهوف سید بن طاوس آورده از سخنرانی امام سجاد، ولی به آن چنین انتقاد می‌کند که وضع زمان و مکان، امکان این خطبه را نمی‌داده است و نتیجه می‌گیرد آنچه مؤلف لهوف نوشته، شبیه جمله‌هایی است که در خطبهٔ مسجد دمشق ایراد شده و دور نیست که با گذشت زمان راویان حادثه‌ها را با هم درآمیخته باشند (ص ۵۷).

مطلب بعدی کتاب *زندگانی علی بن الحسین*، اشعاری است که به امام نسبت داده‌اند در بین راه کوفه به شام می‌خواند و دکتر شهیدی از نظر سبک اشعار و معانی آن تردید دارد و تحلیل می‌کند بعید نیست یکی از شاعران دوستدار خاندان رسول و دشمن خاندان ابوسفیان آن را سروده باشد. از طرفی گفته شد امام در بین راه کوفه و شام با کسی سخن نگفته است (ص ۶۳).

از حضور امام در شام هم یاد کرده و سخنان امام را با مردم شام می‌نویسد. نقد دکتر در این قسمت به اشعاری است که خوارزمی در مقتل و ابن اعثم در تاریخ به امام نسبت داده‌اند در مجلس یزید ایراد کرد. مرحوم شهیدی این شعرها را هم درست ندانسته است؛ زیرا امام در موقعیتی نبود که به شعر تمثیل جوید، آن هم شعر فضل بن عباس بن عتبة بن ابی لهب که سال‌ها پس از این واقعه در ستایش

عبدالملک اموی و نکوهش هاشمیان سروده شده است (ص ۷۱). با توجه به اینکه تخصص دکتر ادبیات است به نقد اشعار بیشتر توجه داشته است. تحلیل دکتر شهیدی در این قسمت این است که گفت‌وگوهای کاخ دمشق میان یزید و کاروان اسیران ملایم‌تر از سخنانی بوده که در کاخ پسر زیاد رخ داده است؛ زیرا عبیدالله برای خوش خدمتی هیچ ملاحظه‌ای از اسیران نمی‌کرد.

#### ۴-۲. امام در مدینه

قسمت بعدی کتاب *زندگانی علی بن الحسین* به وقایع مدینه می‌پردازد. در جریان شورش مردم مدینه و پناه بردن مروان به علی بن الحسین، مرحوم شهیدی سخن طبری را که عنوان کرده «علی بن الحسین با مروان دوستی قدیمی داشت»، نادرست خوانده است و تحلیل کرده طبری می‌خواهد جوانمردی را که خاندان هاشم از حد اعلای آن برخوردار بودند نادیده بگیرد و آن را به حساب دوستی شخصی بگذارد (ص ۸۳). از واقعه حره و سخنان علی بن الحسین با مسلم بن عقبه مطالبی نقل کرده و در پایان، گزارش‌ها را به طور قطع دروغ دانسته است. دکتر تحلیل می‌کند احتمالاً سال‌ها بعد، کسانی از بزرگ زادگان مدینه که پدرانشان از بیم جان با مسلم به شرط بندگی یزید بیعت کرده‌اند، این مطالب را ساخته‌اند تا کار گذشتگان خود را نزد مردمان موجه جلوه دهند. این مطلب که مسلم بن عقبه هر کس را علی بن الحسین شفاعت کرد نکشت درست نیست؛ زیرا از خونخواری چون مسلم بعید است (ص ۸۶).

قسمت بعدی کتاب، وقایع پس از مرگ یزید است. به قیام مختار نیز اشاره دارد، ولی سؤال و تحلیلی مطرح نمی‌کند. از زندگانی امام پس از عاشورا بیشتر به مطالب اخلاقی پرداخته است آن هم بدون نقد و تحلیل. مطلبی که در اینجا نقد شده، شعر فرزددق است. از صفحه ۱۱۲ تا ۱۳۳ به شعر فرزددق پرداخته و آن را از ابعاد مختلف نقد کرده است. آیا این شعر از فرزددق است یا کس دیگر؟ درباره چه کسی سروده شده؟ چه بیت‌هایی کم و زیاد شده است؟ سپس اسناد آن

را از قدیم‌ترین ایام که دیوان حماسه، گزیده ابوتمام حبیب بن اوس طایی (۲۳۲) است و در سال‌ها وقرون بعد تا زمان ابن حجر هیثمی (۹۷۴ق) مطرح کرده و نقد می‌کند. آن‌گاه با توجه به شرایط زمان و مکان (ضمن طواف خانه خدا) فقط بیت‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۱۳ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ را متعلق به فرزددق می‌داند؛ زیرا در نهایت بلاغت و متناسب با مقام است. در تحلیل دکتر شهیدی به احتمال قوی بیت‌هایی که فرزددق در آن مجمع سروده و خوانده، همین چند بیت بوده است و زمان کوتاه طواف گنجایش ابیات بیشتر را نداشت و بلاغت نیز «رخصت درازگویی» را نمی‌داد. در ادامه نقدهای دیگری بر شعر فرزددق دارد.<sup>۱</sup> پس از آن به مطالب اخلاقی درباره امام می‌پردازد (ص ۱۳۸-۱۳۴) و نقد و تحلیلی در این قسمت ندارد.

درباره سفر امام زین العابدین پس از سال ۶۱ و شهادت امام حسین به کوفه که در روضه کافی آمده است شک می‌کند. در صورت درست بودن سفر امام به کوفه معتقد است که بین سال‌های ۶۷ تا ۷۴ بوده است؛ زیرا امام پس از بازگشت به شام تا پایان عصر یزید (به سال ۶۴) در مدینه بوده. در واقعه حره بعد از مرگ یزید نیز سال‌های ۶۴ و ۶۷ امام در مدینه بوده که مختار به او نامه نوشته. در سال‌های ۷۵ تا ۹۵ هم حجاج بر کوفه حکومت می‌کرده و امکان سفر امام به کوفه به خاطر جاسوسان حجاج نبوده است. از این‌رو تنها سال‌های ۶۷ تا ۷۴ باقی می‌ماند، ولی فرض را این می‌داند که ابوحمزه در سفرهای مکرر خود به مدینه، امام را ملاقات کرده و دعا‌های او را آموخته است (ص ۱۴۶). پس از این باز به اخلاق عملی امام (ص ۱۴۷-۱۵۶)، علم حضرت و شاگردانش (ص ۱۵۸)

---

۱. شایان به ذکر است برخلاف دکتر شهیدی، نویسنده کتاب تشیع در مسیر تاریخ معتقد است صحت قصیده معروف فرزددق و مناسبتی که در آن این اشعار سروده شده هرگز مورد سؤال قرار نگرفته است. بنابراین باید آن را یکی از معتبرترین سندهای معاصر امام زین العابدین در نظر گرفت (جعفری، محمد حسین، تشیع در مسیر تاریخ، ص ۲۸۵).

و سخنانی از حضرت (ص ۱۶۸-۱۵۹۰) می‌پردازد.

## ۵. ۲. آثار منسوب به امام سجاد (رساله حقوق، صحیفه سجادیه و قرآن‌هایی به خط حضرت)

رساله حقوق امام را آورده و اسناد قدیمی آن و اختلافات متن را بررسی می‌کند، اما چون در کتاب *خصال* شیخ صدوق راویان سند آمده، آن را برای ترجمه برگزیده است (ص ۱۶۹-۱۷۱). مطلب بعدی *صحیفه سجادیه*<sup>۱</sup> است که به سند آن می‌پردازد (ص ۱۷۲-۱۹۰) و نظریاتی را که در مورد صحیفه کامله وجود دارد نقد کرده و حدس زده است که این مجموعه را کامله گفته‌اند؛ زیرا دستوری کامل برای درخواست بنده از خدای متعال است (ص ۱۹۱).

بحث دیگر کتاب *زندگانی علی بن الحسین* مربوط به قرآن‌هایی است<sup>۲</sup> که به خط امام منسوب‌اند و به قرآن شیراز، قرآن سلطانیه قزوین، قرآن اصفهان و قرآن کتابخانه حضرت رضا نامگذاری شده‌اند. در مورد قرآن شیراز و سلطانیه اظهار بی‌اطلاعی کرده و انتساب قرآن اصفهان را به حضرت رد می‌کند؛ زیرا در پایان آن لقب *زین‌العابدین* و جمله *عَلَيْهِ السَّلَامُ* آمده است (ص ۱۹۵). پیرامون قرآن کتابخانه حضرت رضا که عده‌ای انتساب آن را به امام قطعی می‌دانند بحث مفصلی دارد (از ص ۱۹۵ تا ۱۹۹). درباره انواع کاغذ در صدر اسلام و تاریخچه استفاده از آن، همین‌طور خطوطی که در قرن نخست هجری معمول بوده بحث کرده، سپس نتیجه‌گیری می‌کند که به دو دلیل نمی‌توان انتساب این نسخه را به امام قطعی

---

۱. همین مطالب درباره رساله حقوق و صحیفه سجادیه به‌گونه‌ای متفاوت در کتاب *چراغ روشن* (ص ۱۶۳-۱۸۳) آمده است و تصویری از اجازه روایت صحیفه به خط مجلسی دوم به میرزا محمد امین ضمیمه می‌باشد (ص ۱۶۹).

۲. مطالب مربوط به قرآن در کتاب *چراغ روشن* (ص ۱۸۴-۱۹۷) نیز هست، با این تفاوت که در این کتاب تصاویری از قرآن امام رضا، کتیبه قبة الصخره و قرآن اناجور آمده است و آخرین مطلب کتاب می‌باشد.

دانست. یکی اینکه این نسخه قرآن روی پوست آهو نوشته شده است. نظر به کمیابی و گرانی این ماده، بعید به نظر می‌رسد متعلق به قرن اول هجری و مربوط به آن حضرت باشد. دوم اینکه از مقایسه این خط با خطوطی که در سال ۲۴ و ۹۰ هجری نوشته شده مشاهده می‌شود که با هم شبیه نیستند و بر عکس با خط قرآن اناجور که در قرن سوم (۲۷۷) نوشته شده و در مسجد عمر قاهره موجود است شباهت دارد. از طرفی نمی‌توان به طور قطع این انتساب را منکر شد. باید با وسائل علمی امروز و آزمایش مرکب و کاغذ نتیجه قطعی را معلوم کرد (ص ۱۹۹).

مبحث بعدی رحلت امام سجاد است که اختلافات را مطرح کرده، ولی نتیجه‌گیری نمی‌کند (ص ۲۰۱ و ۲۰۲). آخرین مطلب کتاب، فرزندان امام است که پس از نقل گفته‌ها اشاره دارد که از پسران امام پنج تن، امام محمد باقر، زید شهید، عبدالله، عمر و علی و از دختران نام دوتن علیّه و امّ کلثوم در همه اسناد دیده می‌شود (ص ۲۰۶) و بحث کتاب پایان می‌یابد.

دکتر شهیدی بیشترین نقد (۲۱ صفحه) را درباره شعر فرزدق دارد. سپس مادر امام شهربانو بیشتر مورد بحث او قرار گرفته و در هجده صفحه به نقد و تحلیل مطالب می‌پردازد. پیرامون سن امام هم هشت صفحه صحبت کرده، اما مطالب دیگر زندگانی امام نقد و تحلیل کمتری دارد. البته در مواردی بیشتر از این لازم نبوده است، اما در جاهایی نیاز به نقد و تحلیل داشته که به آن نپرداخته است؛ مثلاً از ابن سعد نقل کرده مختار صد هزار درهم نزد علی بن الحسین فرستاد و او آن مال را نزد خود نگاه داشت. پس از کشته شدن مختار، ماجرا را به عبدالملک نوشت و او پاسخ داد: من این مال را به تو دادم (ص ۹۴). چرا مختار این مبلغ را نزد امام فرستاد؟ پس از کشته شدن مختار به چه علت امام به عبدالملک نامه نوشت و عبدالملک چرا این مال را به امام بخشید؟ یا به نقل از طبری آورده: حصین بن نمیر هنگام بازگشت به شام، سر راه خود خسته به مدینه آمد و علی

بن الحسین از او پذیرایی کرد (ص ۱۰۸) و این را تحلیل نکرده است. یا حدیثی از مجلسی نقل کرده که امام یکی از بندگان خود را تازیانه زد، سپس به خانه رفت و از خادم خواست او را قصاص کند (ص ۱۰۹) این مطلب از نظر راوی و متن سند، به بررسی نیاز دارد که دکتر به آن پرداخته است. همین طور از ده هزار وام امام از یکی از موالی صحبت کرده و اینکه مرد گروگان طلبید، امام پرضه‌ای از ردای خود به او داد. بعد که امام خواست قرض را باز پس دهد، مرد پرضه را گم کرده بود. امام از پرداخت آن خودداری کرد و سخنانی گفت که به بررسی سند و متن آن نیاز دارد. در این قسمت بیشتر به کتاب‌های حدیثی و دعایی متوسل شده (ص ۱۰۸) و کمتر به منابع تاریخی پرداخته است.

در کتاب مواردی از زندگانی علی بن الحسین طرح نشده است؛ مانند روابط امام با ابن زبیر، با مختار و کیسانیه، با شیعیان خود، چون ابو خالد کابلی، قاسم بن عوف، یحیی بن امّ طویل، محمد بن جبیر و جابر بن عبدالله انصاری. نامه حضرت به مسلم بن شهاب زهری نیامده است. درباره شهادت امام بحث نکرده و حتی دیدگاه‌های مختلف را هم نیاورده است.

### ۳. روش تحقیق

اکنون پس از بررسی نقدهای کتاب *زندگانی علی بن الحسین* می‌توان درباره روش پژوهش دکتر شهیدی به طور کلی و در این کتاب به ویژه اظهار نظر کرد. از نظر گزارش نویسی دکتر شهیدی از عنوان فصل و از تیتراژ استفاده نمی‌کند. معمولاً قسمت‌های مختلف را با یک آیه یا کلمات قصار شروع می‌کند. در چند مورد در پایان کتاب *زندگانی علی بن الحسین* تیتراژ آمده است؛ مثل رساله حقوق امام سجاده، ترجمه رساله برابر ضبط صدوق در *خصال*، (ص ۱۷۳) *صحیفه سجادیه* و قرآن به خط امام علی بن الحسین (ص ۱۹۳)، اما بقیه بدون عنوان است.

روش پژوهشی دکتر شهیدی انتقادی تحلیلی بود. آیا این روش قبل از او رایج بوده است؟ این موضوع به بررسی همه‌جانبه نیاز دارد. برخی معتقدند او از روش

متفکران مصری و نویسندگان عرب دهه پنجاه و شصت میلادی (سی و چهل هجری) استفاده کرده است. به ویژه روش نقادی ایشان را شبیه طه حسین دانسته‌اند که روش انکاری و تردیدزا بود و در ایران چندان رواج نداشت.<sup>۱</sup> آنچه مسلم است مطالب دکتر معمولاً با سؤال شروع می‌شود، سپس منابع مختلفی را که پاسخگو هستند می‌آورد و سند و متن آنها را به چالش می‌کشد. آن‌گاه علت اینکه چنین تحریفی در حدیث یا تاریخ وارد شده مطرح می‌سازد. نوشته‌های او در دهه سی پر از نقد است. در بررسی اسناد از نقد بیرونی و درونی هر دو استفاده کرده است؛ مثلاً در کتاب *زندگانی علی بن الحسین* آنجا که شعر فرزدق را بررسی می‌کند فقط چند بیتی را متعلق به فرزدق می‌داند. یا در بررسی قرآن‌ها به خط امام شک می‌کند، اما نقد درونی، یعنی بررسی متن اخبار در نوشته‌های مرحوم شهیدی فراوان دیده می‌شود. علاوه بر این، به قراین خارجی مانند شرایط زمان و مکان نیز توجه داشته است. انگیزه‌های راویان در نقل اخبار، مهم‌ترین نکته مورد توجه او بود.

نکته مهم این است که در آثار او به ویژه کتاب *زندگانی علی بن الحسین* از خطاها و بت‌های چهارگانه بیکن<sup>۲</sup> اجتناب شده است. دکتر شهیدی در برابر مدارک و اسنادی که در خور اعتماد نیست تسلیم نشده و چشم نقادی او نسبت به بت‌های طایفه‌ای که درد دیرینه انسان است باز بوده. همین‌طور از گرایش‌های فردی و تعصب در عقاید شخصی (بت‌های شخصی) تا حدودی دور بوده است. به بخت و اتفاق در حوادث تاریخی اعتقاد نداشته و از اقوال و عقاید جاری در قضاوت‌ها (بت‌های بازاری) اجتناب می‌کرده است و اقوال کسانی که مردم عادت کرده‌اند سخنان آنان را بپذیرند (بت‌های نمایشی) حجت نمی‌شمرده است. در بحثی که درباره مادر امام سجاد دارد باور عموم را کنار گذاشته است؛ باوری که

۱. جعفریان، رسول، «چرا دکتر شهیدی لباس روحانیت را کنار گذاشت»، مصاحبه با سایت تابناک.

۲. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، ص ۱۲۷-۱۲۸.

اگر کسی در آن تردید کند، گویی اصلی ثابت و یکی از ضروریات دین را منکر گشته و در این جهان سزاوار لعنت و در آن جهان جاودان در دوزخ خواهد بود (ص ۹). وی شجاعت آن را داشته که احادیث محدثان بزرگواری چون مرحوم کلینی را نقد کند. دکتر شهیدی اعتقاد داشت که حدیث‌های گرد آوری شده در کتاب شریف کافی همه در یک درجه از درستی نیست و از زمان امام زین العابدین تا عصر مرحوم کلینی ۲۵۰ سال یا بیشتر گذشته و در این مدت دراز پیروان نحله‌های گوناگون احادیثی ساخته و پرداخته‌اند (ص ۱۸).

دکتر شهیدی در احادیث به فقه الحدیث و درایة الحدیث توجه داشت. به نظر او دانشمندان طبقه اول از محدثان به نقد روایتی حدیث توجه داشته‌اند و کمتر به نقد حدیث از جهت درایه می‌پرداختند. روش او غیر از استفاده از اسناد و سلسله سند بهره‌گیری از قرینه‌های خارجی است؛ مثلاً سال تولد امام را به رغم اتفاق محدثان و مورخان کهن، اعم از شیعه و اهل سنت (ص ۲۹) با تکیه بر قراین خارجی، مورد نقد و شک قرار می‌دهد (ص ۳۰).

وی این اصل را برای تاریخ‌نگار و محدث یادآور می‌شود که هر کس حدیثی می‌سازد و بر سر زبان‌ها می‌اندازد، می‌کوشد گوینده آن را کسی یا کسانی معرفی کند که نتوان بر آنها انگشت نهاد (ص ۱۸).

#### ۴. غلط‌های کتاب زندگانی علی بن الحسین

دکتر شهیدی در پایان کتاب نوشته است با همه کوششی که در تصحیح کتاب کردم، متأسفانه خطاهای فراوانی در آن راه یافته است، به خصوص در اعراب گذاری و ضبط واژه‌های عربی. همین طور حرف‌های پاورقی ریز است و از خوانندگان درخواست کرده هرگاه فرصتی داشتند این خطاها را اصلاح کنند تا در چاپ بعدی اصلاح شود (ص ۲۰۷). غلط‌های چاپی کتاب خیلی زیاد نیست، چند مورد که به اصلاح نیاز دارد یادآوری می‌شود.

درست	غلط
بعدهالهجره	قبل الهجره ص ۳۰س ۱۱
نوشته	نویسنده ص ۱۱پاورقی
نخيله	نخيله ص ۴۳س ۹
تغلب	تقلب ص ۴۴ پاورقی
ربه	ابن عبدربه ص ۹۳س ۹ ابن عبد
الصواعق المحرقة	الصواعق المحرقة ص ۹۴پاورقی و ص ۱۴۱ پاورقی
اعلام النساء	اعلام النساچ ص ۱۰۴پاورقی
اعلام الوری	اعلام انوری ص ۱۱۱پاورقی
محمدبن قتال	محمدبن قتال ص ۱۲۰س ۵
بعضی	یعضی ص ۱۳۲س ۱۰
کردگار	گردکار ۱۳۵س ۳
حاجب بن زراه	حاجب بن زراه ص ۱۳۸پاورقی
بنی تمیم	بنی متم ص ۱۳۸ پاورقی
بطالسه	بطائسه ص ۱۹۷س ۱۴

شماره برخی پانویس‌ها نادرست است؛ چون شماره ۲ او ۱ صفحه ۷۱ که باید ادغام شود و شماره ۳ صفحه ۷۱ به ۲ تبدیل گردد. شماره ۳ ابن اثیر ج ۴، ص ۸۶ حذف شود.

در ضمن نام برخی از کتاب‌ها در پانویس آمده، ولی در فهرست منابع نیست؛ مانند کتاب المختار ثقفی ص ۹۲؛ اخبار الطوال، ص ۳۳ و مجله ارغوان، ص ۹۵.

### سخن پایانی

دکتر شهیدی ابتدا برای آشنایی با مادر امام سجاد پژوهش خود را شروع کرد، سپس به زندگی امام پرداخت. سی سال بعد مطالب خود را تکمیل کرد و کتاب زندگانی علی بن الحسین را نوشت. انگیزه او اصلاح تفکر شایع در جامعه بود که امام علی بن الحسین را بیمار و اسیر و ضعیف جلوه می‌داد. روش او انتقادی

تحلیلی است. دکتر شهیدی در بررسی احادیث به فقه الحدیث و درایة الحدیث توجه داشت و در نقل اخبار تاریخی به نقد درونی و برونی. راوی، متن سند و شرایط زمانی و مکانی در نقدها و تحلیل‌های ایشان نقش مهمی داشت. شهادت انتقاد از مطالب و کسانی که مورد قبول عامه هستند، از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ایشان است. البته انتقادهای ایشان از استحکام یکسانی برخوردار نیست.

دکتر شهیدی در بررسی‌های خود در زندگانی امام علی بن الحسین درباره مادر امام و سال تولد آن حضرت بحث گسترده‌ای انجام داده است. در جریان عاشورا برخی از سخنان و اشعار منسوب به امام را رد می‌کند. در بحث‌های مربوط به پس از عاشورا جز بحث اشعار فرزدق، از دید انتقادی و تحلیلی او کاسته می‌شود؛ شاید به علت کمبود وقت یا سن ایشان باشد. به نظر می‌رسد رشته اصلی ایشان یعنی ادبیات سبب شده است در نقد اشعار توجه بیشتری داشته باشد. ادامه دادن به دید انتقادی و تحلیلی در ابعاد دیگر زندگانی امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> و پرداختن به برخی بحث‌ها که دکتر شهیدی به آن پرداخته، زنده نگه داشتن راه ایشان و پیروی از یک روش درست است.

### منابع

۱. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق کاظم المظفر، منشورات المكتبة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.
۲. بویس، ماری، «بی بی شهربانو و بانو پارس»، ترجمه حسن جوادی، مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۴۶ش.
۳. جعفری، حسین محمد، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه محمد تقی آیت‌اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ش.
۴. جعفریان، رسول، «چرا دکتر شهیدی لباس روحانیت را کنار گذاشت»، مصاحبه با سایت تابناک، دی ۱۳۸۶، کد خبر ۴۹۴۰.
۵. ذاکری، علی اکبر، *سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین*، ج اول:

- استانداران و فرمانداران، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۶. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو؛ درباره تاریخنگاری و تاریخ‌نگاری، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم: ۱۳۶۲ش.
۷. شهیدی، جعفر، پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱ش.
۸. \_\_\_\_\_، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ش.
۹. \_\_\_\_\_، تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا نیمه نخست سده چهارم، مرکز نشر دانشگاهی - انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۰. \_\_\_\_\_، چراغ روشن در دنیای تاریک، چاپخانه محمد حسن علمی، تهران، بی تا.
۱۱. \_\_\_\_\_، حیاة الامام علی بن الحسین، ترجمه احمد الجلبوئی، دارالهادی، بیروت، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱م.
۱۲. \_\_\_\_\_، زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ پنجم: ۱۳۷۲ش.
۱۳. \_\_\_\_\_، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دهم: ۱۳۶۸ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۵. مسعودی، علی بن الحسین، التنبیه والاشراف، دارصعب، بیروت، بی تا.
۱۶. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، صدر، قم، چاپ هجدهم، ۱۳۷۱ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.